مروری بر جلسه‌ی قبل :

تاکنون ۲ محور اصلی را مطرح کردیم و درموردش حرف زدیم

محور اول: چه تلقی و چه انگاره‌ای نسبت به اخلاق الان داریم؟

بنابراین بهانه مطرح کردیم که ارزیابی ما از وضعیت اخلاق در جامعه‌مون ارزیابی خوب و مطلوب و رضایت‌بخش نیست این را هم در کوچه و بازارهای جامعه خودمون می‌بینیم و هم در فضاهای حرفه‌ای و نزد دانشمندان و روشنفکران می‌بینیم عمده صحبت ما این بود که انگاره‌های ما از اخلاق آسیب دیده و تا زمانی که این انگاره‌ها اصلاح نشود اقبال به اخلاق در جامعه رونق پیدا نخواهد کرد. انگاره‌های آسیب دیده‌ای که وجود دارند نشان می‌دهد آدم‌ها احساس می‌کنند اخلاق به جای اینکه موجب موفقیت‌شان بشود، تصور می‌کنند باعث عقب ماندگی و پسرفت‌شان می‌شود در واقع هزینه کردن برای اخلاق را هدر دادن انرژی تلقی می‌کنند نه یک نوع سرمایه‌گذاری در جهت پیشرفت و موفقیت‌شان است بنابراین این دیدگاه و این تقدیرها و انگاره‌ها باید اصلاح شوند

برای اصلاح آن یک نقشه راه می‌شود داد و با مطالعات ما نشان می‌دهد باید ۲ اتفاق بیفتد تا ما یک گام مثبت موثری برداریم

گام اول: باید تغییر در نگرش‌ها اتفاق بیفتد، نگرش‌ها، دانش‌ها و تلقی‌های ما باید در این‌ها تغییر رخ دهد پس با تغییر بینش‌ها روبرو شویم

گام دوم: برای اینکه به وضعیت مطلوب‌تری برسیم، برای تربیت اخلاقی ما نیاز به آموزش یک مجموعه مهارت‌ها داریم که عمدتاً این مهارت‌ها، مهارت‌های ارتباطی هستند

اگر این دو گام برداشته شود مسیری را طی می‌کنیم که هم به اصلاح انگاره‌های نادرست و آسیب دیده ما می‌انجامد هم نتیجه‌اش این می‌شود که اقبال به اخلاق در جامعه‌ما بیشتر می‌شود

محور دوم: ما حوزه‌ی معلمی را نمی‌آییم محدود کنیم و تقلیلش دهیم به یک سری رفتارهای آموزشی خیلی خیلی خاص بلکه ما حرفه‌ی معلمی را خیلی خیلی وسیع می‌گیریم طوری که معنا و مفهوم تعلیم و تعلم که معنای خیلی وسیع و شاملی دارد که شامل: آموزش، تدریس، کارورزی و مهارت آموزی می‌شود همه را پوشش دهد

معلمی چه حرفه و چه شغل کاری است که باید با هدف ایجاد تغییر در دانش‌آموزان دنبال شود، تغییراتی که هم خودش ... و هم والدینش و هم جامعه انتظار دارند که در آموزش و پرورش ما اتفاق بیفتد، و اینکه فقط از جنس دانش‌های تخصصی نیست فقط قرار نیست فیزیک و شیمی و امثال این‌ها را به دانش‌آموز منتقل کنیم، یک سری فرمول‌ها و قواعد و قوانین را فقط منتقل کنیم بلکه همان معنای وسیعی که تعلیم و تربیت دارد که هم آموزش است هم پرورش باید بتواند هر دو حوزه را پوشش دهد

در حوزه پرورش بایستی یک سری مهارت را به دانش‌آموزان آموزش دهیم و در آن‌ها ایجاد تغییر کنیم، یک سری فضائل باید در ضمن آموزش خودمان داشته باشیم. جامعه‌پذیری، آموزش خلاقیت، خودآگاهی، تعهد و عشق و امثال این فضائل و ویژگی‌ها همه مورد نیاز است برای اینکه بتوانیم یک شهروند خوب و مطلوب به جامعه عرضه کنیم انتظاری که از معلم هست این است که بتواند همه این حوزه‌ها را پوشش دهد

درس جلسه سوم

آیا معلمی را ما یک شغل می‌دانیم یا یک حرفه؟

تعیین تکلیف کردن سر این قصد می‌تواند در پیش ببرد مباحث ما بسیار موثر باشد. اخلاق حرفه‌ای معلم را داریم بحث می‌کنیم تلقی اولیه که ما داریم این است که معلمی را یک شغل نمی‌دانیم و بلکه یک حرفه می‌دانیم مسأله اصلی این جلسه ما این است که معلمی درست است که یک کار تلقی می‌شود ولی کار از لحاظ پارامترهای مختلف تقسیم‌بندی‌های مختلفی دارد و می‌خواهیم بدانیم آیا معلمی به عنوان یک کار آیا شغل به حساب می‌آید یا حرفه هست؟ زیرا بین حرفه و شغل تفاوت بسیاری وجود دارد که می‌تواند سرنوشت مباحث ما را تعیین کند

کار بر اساس پارامترهایی می‌شود تقسیم‌بندی کرد:

- کار
  - حلال
  - حرام
- کار
  - تمام وقت
  - نیمه وقت
  - پاره وقت
- کار
  - قانونی (مشروع)
  - غیرقانونی (نامشروع)
- کار
  - مفید باشد
  - مفید نباشد (بی‌فایده)
- کار
  - رایگان ← مثل کارهای خیریه
  - جبران خدمت و پاداش و حقوق برایش وجود داشته باشد

ما با بخشی از این پارامترها سروکار داریم نه همه‌ی این پارامترها حال ۳ تا مفهوم را از یکدیگر متمایز می‌کنیم

۱) مفهوم اشتغال چیست؟ یک کار پاره وقت است که ممکن است در آن جبران خدمت باشد ممکن است نباشد و ممکن است مفید باشد یا مفید نباشد و بیش‌ترین پارامتری که می‌تواند تعیین کننده باشد در تعریف پارامتر اشتغال زمان است که وقتی پاره وقت صورت می‌گیرد به آن اشتغال می‌گویند

۲) مفهوم شغل چیست؟ یک مرتبه بالاتر از اشتغال کاری داریم که اصطلاحاً به آن شغل می‌گوییم در نتیجه خیلی باید ابتدا

دست به دست هم می‌دهند تا این تعریف کامل شود

شغل یک کار است ← ولی یک کار مفید و اثربخش (یعنی آن کسانی باشند که کار تمام وقت داشته باشند و کار تمام وقت باشد)

← کار تمام وقت

← مثل کارهایی که به اشتغال نمی‌گوییم

← با جبران خدمت باید باشد یعنی در ازای خدمت می‌تواند حقوق بگیرد یا پاداش یا امتیاز بگیرد

معلمی را آیا از جنس کار داریم یا هنوز می‌خواهیم به مرحله‌ای بعد و نوع دیگری از کار برویم

۳) مفهوم حرفه چیست؟ نوع دیگر از کار داریم که اصطلاحاً به آن حرفه می‌گوییم، حرفه نه اشتغال است نه شغل است

حرفه را وضعیت برتر شغل می‌دانیم این معنایش این است که ما یک سری ویژگی‌های حرفه‌ای هستیم که اگر آن‌ها نباشند

نهایتاً تنزل پیدا می‌کند به شغل و اگر ویژگی‌های شغل نباشد نهایتاً تنزل پیدا می‌کند به اشتغال

حرفه به لحاظ رتبه و داشتن ویژگی‌های مفیدتر و اثربخش‌تر بالاترین هرم قرار می‌گیرد و در وضعیت مطلوب‌تر است

حال با این شناختی که از انواع کار پیدا کردیم آیا معلمی را اشتغال می‌دانید؟ یا شغل می‌دانید؟ یا حرفه؟

ببینید می‌دانیم که کسی معلمی را اشتغال نداند در بهترین اتفاق ممکن است که کسی معلمی را تا این حد بخواهد تنزل دهد آن هم اگر که بالاخره

بیشتر از این ناحیه آسیب دیدیم این است که اکثراً معلمی را در حد یک شغل می‌دانند و حاضر نیستند تلقی و تصور خود را ارتقا بخشند

و معلمی را در حد یک حرفه بدانند

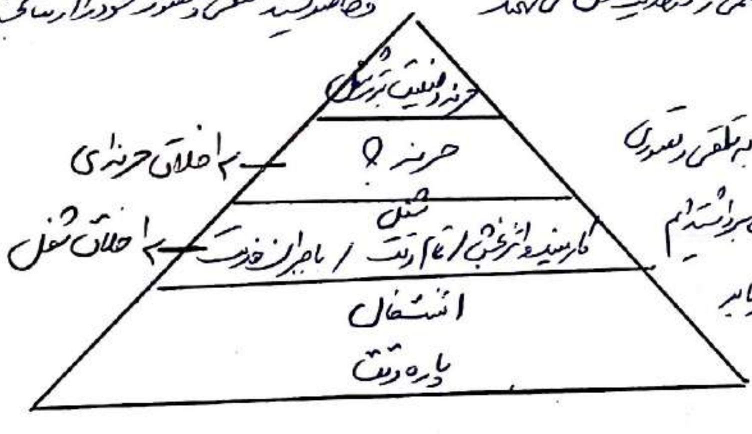

اگر بتوانیم تلقی و تصوری که از معلمی به عنوان شغل است به تلقی و تصوری به عنوان حرفه ارتقا دهیم در این آموزش‌ها هم ما قدم برداشته‌ایم

و امیدوار هستیم اگر این تلقی از شغل به تلقی از حرفه ارتقا یابد

بخشی از هدفی که ما در آموزش اخلاق حرفه‌ای دنبال کردیم

بدین وسیله تأمین شود

متناسب با دسته‌بندی‌هایی که می‌بینید می‌توانیم اخلاق را هم تقسیم‌بندی کنیم ← وقتی از شغل حرف می‌زنیم ← نوعی اخلاق به نام اخلاق شغل

← وقتی از حرفه حرف می‌زنیم ← نوعی اخلاق به نام اخلاق حرفه‌ای

یعنی همان طور که شغل و حرفه با هم فرق دارند؟ اخلاق شغل و اخلاق حرفه‌ای هم با هم متفاوت هستند

چرا تأکید می‌کنیم اخلاق حرفه‌ای معلمی یعنی هم روی حرفه‌ای بودن و هم روی معلمی بودن تأکید داریم؟

← از معلم به عنوان یک شخصیت حقیقی فراتر برویم و به معلم به عنوان یک شخصیت حقوقی نزدیک بشویم با این مباحث هم خودمان را حرفه‌ای‌تر کنیم

منبع بحث تفصیلی (منبع زبان اصلی به انگلیسی بوده)

حرفه‌ای — منطق سوم

Professionalism The third logic

Eliot fredisan

این کتاب در زمینه اشتغال حرفه و تیچینگ بسیار به ما کمک می‌کند. منطق‌ها از منطق سوم در نام این کتاب این است که ما ۳ منطق داریم یعنی منطق شماره ۱ و شماره ۲ نداریم که حالا حرفه‌ای منطق شماره ۳ باشد. این یعنی حرفه‌گرایی می‌گوید حرف سوم باید به معنای عام فلانی راه سوم را انتخاب کرده است. وقتی که می‌تواند اثربخش باشد نه حرف رایج یک حرف کاملاً متفاوت است. در این کتاب الیوت بالای ۲۰ ویژگی حرفه را برشمرده و خواسته بگوید اگر می‌خواهید حرفه را بشناسید حرفه آن شغلی است که این ۲۰ ویژگی را داشته باشد و ما از دل این ویژگی‌هایی که در این کتاب آمده تعدادی مؤلفه را استخراج کردیم که به یک [illegible]

ویژگی‌های شغلی
+
ویژگی‌های حرفه‌ای
= حرفه‌ای معلمی

خود او را بالا به ما می‌گوید اگر معلمی به عنوان حرفه را ویژگی‌هایش را دنبال کنیم و یا معلمی را اگر به عنوان حرفه تحقق پیدا کند
۲ دسته ویژگی باید دست به دست هم دهند و در کنار هم باشند

① هم ویژگی‌های شغلی وجود داشته باشند ← مانند ویژگی اثربخش، اعتماد، همراه با جبران خدمت

② هم ویژگی‌های حرفه‌ای وجود داشته باشند

این ۲ دسته ویژگی دست به دست هم می‌دهند تا معلمی را به عنوان یک حرفه برای ما کامل کنند

از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حرفه و حرفه‌گرایی که در این کتاب بحث کرده ۶ مورد را به عنوان ویژگی اصلی انتخاب کردیم که باید با این ۶ ویژگی آشنا شویم

سوال ← انسان حرفه‌ای کیست؟

معلم حرفه‌ای کیست؟

پاسخ ← معلمی است که دارای دانش تخصصی باشد

/ آدم حرفه‌ای آدمی است که دانش کارخودرا به‌خوبی تخصصی و به‌روز با خود داشته باشد

مثلاً معلم حرفه‌ای شیمی ← باید دانش شیمی را به‌آن مسلط باشد

/ معلم فیزیک ← باید دانش فیزیک را به‌آن مسلط باشد

منظور ما از دانش تخصصی این نیست که قواعد و فرمول ها را بدانیم و بلکه باید بتواند معلم دانش خود را به دانش آموز منتقل کند و بلکه یک دانش تخصصی یعنی دانش بنیادی ها و تکنولوژی ها و برنامه‌های علم به‌همه قوانین و مطالب در راستای آموزش را هم بدانیم که برای انتقال دانش تخصصی به مهارت های تبدیل نیاز داریم

مولفه‌ی اول : به همان اندازه که دانش تخصصی خود را یاد می‌گیرد دانش انتقال دانش را به دانش آموز را خود را هم یاد بگیرد

مولفه‌ی دوم : تجربه‌های شغلی تجربیات شغلی را با سنوات شغلی اشتباه نگیرید ، یکی از خطاهایی که کم پیش می‌افتد این است که سنوات شغلی یعنی میزان سال هایی که در یک کار بودید مثلاً ۱۵ سال ، اما به هر کسی نمی‌توان گفت که کسی که ۱۵ سال سابقه شغلی را سنوات شغلی دارد به اندازه‌ی ۱۵ سال تجربه هم دارد یعنی تجربه شغلی ≠ سنوات شغلی

چه بسا کسی باشد که یک ماه یا یک سال سابقه شغلی داشته باشد ولی به اندازه‌ی ۵ سال دیگران تجربه شغلی اندوخته باشد و بالعکس کسی که ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه شغلی داشته باشد ولی به اندازه‌ی کسی که ۵ سال سابقه شغلی دارد تجربه شغلی نداشته باشد

سوال ← آن چیست که انسان را حرفه‌ای می‌کند ؟ داشتن تجربه شغلی مفید است (سال سابقه شغلی نگیرید) ← قدم اول

انسان حرفه‌ای آن انسانی است که توان تبدیل تجربه‌های شغلی خود را به دانش دارد ← قدم دوم

تجربه شغلی تا زمانی که تبدیل به دانش نشود ← قابل انتقال به غیر نیست و فقط دانش قابل انتقال به غیر است

لذا فقط به درد کسی می‌خورد که تجربه اندوخته ولی اگر این تجربه تبدیل به دانش شود قابل انتقال به دیگران خواهد بود

/ در فرهنگ های شرقی و فرهنگ ما خیلی این دغدغه را برجسته نمی‌بینیم که تجربه خود را به دانش تبدیل کنیم

/ اولین قدم برای تبدیل تجربه به ← دانش این است که :

توان و مهارت ثبت تجربه‌های خودمان را داشته باشیم

↓

برای ثبت تجربه‌ها ساده‌ترین شکل و پایه‌ای‌ترین کار این است که بتوانیم تجربه‌های خود را خوب بنویسیم و خوب گزارش کنیم

متاسفانه در نظام آموزش ما توان و مهارت نوشتن به درستی آموزش داده نشده و این ضعف بزرگی را در ما باقی می‌گذارد که بسیاری از

از بدیع التعبیان حتی از نوشتن یک نامه معمولی عاجز هستند چه برسد به اینکه بخواهند گزارش مؤثری از تجربه‌های خود ثبت کنند درست است که در نظام آموزشی درسی به نام انشا داشته‌ایم ولی متاسفانه نه ضعیف‌ترین بلکه کم اثرترین درس تلقی شده و بهایی که باید داده می‌شده به این درس داده نشده است یک مقدار به وضعیت آموزشی برمی‌گردد این مشکل و یک مقدار به مسائل فرهنگی ما برمی‌گردد

در کشورهای توسعه یافته و کشورهای اروپایی و امثال این‌ها داستان فرق می‌کند و مدیران حتماً دانشسته علم هستند برای نمونه

تیلور ← پدر علم مدیریت است

قبل از اینکه یک چهره دانشگاهی باشد و وارد دانشگاه شود یک کارخانه‌دار بوده است مثل خیلی از مدیران حوزه‌ی صنعت روش برخورد با مسائلی که در محیط کارش پیش می‌آمده روش برخوردش فرق دارد و در زندگی‌نامه‌اش نوشته است او وقتی با مسئله و مشکلی روبرو می‌شده ضمن اینکه آن مسئله را حل می‌کرده یک یادداشت از آن مسئله برداشته و کنار می‌گذاشته و وقتی ساعت کارش تمام می‌شود تمام یادداشت‌های خودش را با خودش به منزل می‌برده و یک وقت اختصاص می‌داده به بازخوانی مسئله و مشکل و جواب دادن به آنها و حل کردن مسئله خودش

انواع حل خلاق مسئله

① یا ما توان تحلیل مسئله خود را داریم ← به نهایت به جواب مسئله و حل مسئله می‌رسیم

② مثل یک دیپلماتی که تیلور انجام می‌داد وقتی به جواب نمی‌رسیده یادداشت و مشخص به مسئله را گذاشته و منتظر حل مسئله می‌ماند و آرام آرام حل مسئله‌های متفاوت روی هم انباشته می‌شد و تیلور توانست کتاب‌هایی را به جامعه علمی عرضه کند و او پدر علم شد

ضعف دیگر این است که خاطره نویسی چندان در میان ما رایج نیست در مجموع آموزش ضعیف داشته‌ایم مجموعاً ضعف فرهنگی است کمتر رئیس جمهوری یا اصلاً رئیس جمهوری در آمریکا نیست که دوره ریاست جمهوریش تمام شده باشد و یک کتاب خاطره بیرون نداده باشد اما در شرق به ندرت کسی را می‌توان پیدا کرد که این کار خاطره نویسی را انجام داده باشد از مسئولین و ....

این‌ها همه بیانگر تفاوت جدی آموزشی و فرهنگی بین ما و کشورهای توسعه یافته وجود دارد و می‌تواند پاسخ به این پرسش باشد که چرا آن‌ها حرفه‌ای تر عمل می‌کنند و ما خیر؟ به خاطر این است که ارتباط تنگاتنگی با بحث اخلاق دارد

کسی که چندین سال شغلی را در برمی‌گیرد و تجربه‌های بسیار ارزشمندی می‌اندوزد اگر نتواند تجربه‌هایش را به دانش تبدیل کند و نتواند به دیگران تجربه‌هایش را منتقل کند در واقع یک جور هدر دادن سرمایه‌ها است و این مسئولیت برای آن شخص می‌آورد و حقی را ایجاد می‌کند که جامعه و دیگر افراد حق دارند از تجربه‌های او درس بگیرند و برای ارتقای کاری خود استفاده کنند

امروزه شاهد هستیم در بسیاری سازمان‌ها و اداره‌ها اقبال به ثبت تجربه‌ها اتفاق افتاده است در دانش مدیریت اصطلاحی به نام مدیریت اطلاعات داریم (Knowlge management) به تبدیل تجربه به دانش سعی در سازمان‌ها و شرکت‌های داخلی کم اتفاق می‌افتد برنامه‌ای در درون سیستم‌های هر کارمندی هست که هر کسی می‌تواند تجربه‌ی خودش را ثبت کند به صورت روزانه ولی چند مورد و نتیجه این شد که کارمندان ما آموزش ندیدند که چگونه تجربه‌های خود را ثبت کنند این مهارت را آموزش نیاز دارد ثبت تجربه

③ ویژگی سوم مهارت ← اکتسابی است ← در کلاس‌های آموزشی یاد می‌گیرند

④ ویژگی چهارم توانایی ← ذاتی است ← مادرزادی در خود فرد وجود دارد

انسان حرفه‌ای انسانی است که هم صاحب مهارت هم صاحب توانایی باشد

مثال: کسی را تصور کنید تمام دانش رانندگی (مهارت رانندگی) را به خوبی آموزش دیده و یاد گرفته حتی عرض کرده و خوب هم رانندگی می‌کند ولی فرض کنید در مواقع بحرانی واکنش مناسب نمی‌تواند داشته باشد در این جا می‌گوییم فلانی مهارت رانندگی را دارد ولی توانایی ندارد واکنش سریع و به جا در مواقع بحرانی از خودش نشان دهد

واکنش سریع به جا و مناسب نشان دادن در موقعیت‌های مختلف

آموزش و معلمی بخشی از آن توانایی است اگرچه بخشی از آن مهارتی است یعنی از هر کسی نمی‌توان انتظار داشت به ما کسی به مهارت معلمی و یاد دادن برسد باید یک جوهره‌ای در درونش باشد یعنی توانایی معلمی را در درونش هم داشته باشد

⑤ ویژگی پنجم نگرش متمایز ← آدم‌های حرفه‌ای نگاهشان نسبت به مسائل پیرامون کاملاً متفاوت است و اتفاقات را جور دیگر تحلیل می‌کنند

← آدم‌های حرفه‌ای اتفاقات را جور دیگری می‌بینند و نگاه آدم کوچه و بازاری ندارند

اگر می‌خواهید ببینید بالاخره حرفه‌ای هستید یا نه؟ ببینید نگاهتان با دیگران متفاوت است یا خیر؟

در مورد مسائل مختلف که اتفاق می‌افتد مثلاً مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... تحلیل بقال و راننده و استاد دانشگاه و انسان تحصیل‌کرده متفاوت است باهم اگر تحلیل شما با بقیه متفاوت بود فرهیخته و حرفه‌ای هستید

تحصیل و فرهیختگی فقط به دانش‌هایی که ما در ذهن داریم نیست

منظور از نگاه متمایز چیست؟ انسان حرفه‌ای با نگاه متمایز ویژگی‌های زیر را دارد:

① ژرف‌نگری ← انتظار داریم معلم ژرف‌نگری را به دانش‌آموز خود یاد دهد، انسان ژرف‌نگر مسائل پیرامون خود را ژرف‌تر از دیگران می‌بیند

② نگاه به حال نزدیک محدود نمی‌کند ← بلکه دوراندیش و آینده‌نگر است مسائل را دورتر می‌بیند

③ نگاه جزیره‌ای نیست نگاه قطعی نیست نگاه سیستمی و شبکه‌ای است ← ارتباط بین پدیده‌ها را پیدا می‌کند و در کنار هم می‌بیند

④ جامع‌نگر است برای پدیده‌ها یک علت نمی‌داند علت‌های مختلفی می‌داند ← نگاه غیرتک‌بعدی به اخلاق ← اخلاقی‌تر باشیم ← نگاه سیستمی داشته باشیم

مثال برای نگاه سیستمی و جامع نگر بودن

پژوهش چند سال قبل در تهران انجام شد میزان سفرهای تفریحی در جامعه ما رشد داشته است ⇐ یک پدیده است

سفرهای تفریحی در ایران نسبت به ۲۰ سال قبل رشد زیادی داشته مقایسه کنیم

میزان برنامه‌های تبلیغاتی در تلویزیون و رسانه‌ها بالا رفته و رشد داشته

سوال پژوهشگر آیا چون میزان سفرهای تفریحی رشد داشته است ↑ ⇐ میزان تبلیغات تلویزیون و رسانه‌ها رشد داشته

یا برعکس میزان سفرها معلول باشد و علت میزان تبلیغات تلویزیون باشد کدام علت است و کدام معلول ؟

کدام از کدام متأثر شده است ؟ ممکن است کسی بگوید چون تبلیغات تلویزیون زیاد شده ↑ ⇐ سفرهای تفریحی هم زیاد شده ↑

ولی این یک نوع یک جانبه‌نگری است چون برعکس هم می‌شود گفت چون میزان سفرهای زیاد شده و رشد کرده متناسب با این افزایش رسانه‌ها هم حالت نشان داده و برنامه‌های خودش را به لحاظ کمی و کیفی بالا برده است

وقتی بالاتر برویم و بگوییم هیچ کدام این‌ها را به صورت خطی نمی‌توان معلول و علت بدانیم چه بسا این دو به صورت تأثیر و تأثر روی هم عمل کردند یعنی تا حدی سفرها ↑ ⇐ تبلیغات ↑ ⇐ روی پدیده بیرونی اثر گذاشته و به صورت دیالکتیکی اثر گذاشتند و یا یک عامل بیرونی وجود دارد که ما از آن غافل هستیم انسان حرفه‌ای همه‌ی اینها را می‌بیند

✓ انسان حرفه‌ای پدیده‌های مختلف را مرتبط با هم می‌بیند

✓ دنیا را شبکه‌ای دیدن و مرتبط با هم دیدن به طور کلی علامتی هست برای نگاه حرفه‌ای و راه‌گشا می‌باشد

نگاه انتقادی

✓ با فق زدن متفاوت است

✓ کسی که نگاه انتقادی به خودش دارد در واقع خودش را ارزیابی می‌کند و دیگر چیزها را ارزیابی می‌کند

✓ نگاه انتقادی نگاه بسیار هوشمندانه و برخورد عالمانه با مسائل هست

✓ نه از جنس فق زدن و نه از جنس سرکوفت زدن

✓ خود انتقادی ویژگی انسان حرفه‌ای که نباید به سرکوفت و سرزنش خود شخص بینجامد چون آثار و پیامدهای بسیار نامطلوبی دارد

(۶) ویژگی ششم تعهد حرفه‌ای یا مدام اخلاقی

✓ نشاندی بسیار شامل و فراگیر باشد برای همه‌ی ویژگی‌هایی که تاکنون ذکر کردیم و مهم‌ترین ویژگی است

✓ انسان حرفه‌ای انسانی است که به حرفه‌ی خود تعهد دارد ⇐ موجب مدام اخلاقی می‌شود

✓ انسان حرفه‌ای مدام اخلاقی دارد یعنی یک سوی اصول و خط قرمزها و چارچوب‌ها برای خودش دارد و به هیچ عنوان زیر بار نمی‌رود که از چارچوب‌ها و خط قرمزها و اصول‌هایش پا فراتر گذارد

✓ انسان حرفه‌ای مدام دارد ← مدام ناشی از تعهد حرفه‌ای است ← تعهد حرفه‌ای ناشی از عشق به حرفه است
کسی که عاشق حرفه‌ی خودش باشد ← حرفه‌اش را با هیچ چیز معامله نمی‌کند
حالا با توجه به شناختی که از حرفه و حرفه‌گرایی پیدا کردید

سوال: آیا معلمی یک شغل است؟ یا یک حرفه؟
پرسش‌نامه‌ای داریم در جلسه بعد پرسش‌نامه را مرور می‌کنیم و براساس آن پرسش‌نامه تلقی خود را محک بزنیم ببینیم
که آیا به عنوان معلم خود را حرفه‌ای می‌دانیم یا خیر و تلقی خود چقدر صادق هستیم و چقدر صداقت نداریم
انگاره‌ها در سرنوشت اخلاقی ما بسیار تأثیرگذار هستند
انگاره‌هایی که ما از معلمی داریم چیست؟

✓ آیا کسانی معلمی را به عنوان چوپانی تلقی می‌کنند ← پیامد خاصی دارد اگر معلم خودش را در مقابل دانش‌آموزان به منزله چوپان ببیند ← رفتار خاصی از معلم بروز می‌کند و اکنش‌های خاصی از او بروز می‌کند
✓ اگر تلقی از معلمی به منزله‌ی یک پزشک باشد ← پزشک با بیماران و مواجه‌کنندگان خود چگونه برخورد می‌کند
طبیعتاً رفتار معلمی که پیش تلقی دارد مثل رفتار پزشک با بیمارانش خواهد بود
✓ اگر از تلقی از معلمی به عنوان و به منزله‌ی مادر برای فرزندان ← باز طبیعتاً رفتارهای او متفاوت خواهد بود
✓ تلقی‌های بسیار بدتر را هم می‌توان مطرح کرد و آن این است که ممکن است کسانی درک و تلقی آن‌ها از معلمی فقط کارمندی و مزدبگیری باشد ← رفتار متفاوت خواهد بود با دیگران

نتیجه: هیچ‌کدام از تلقی‌های بالا به پای تلقی حرفه‌ای از معلمی نمی‌رسد
چون انسان حرفه‌ای ویژگی‌هایی دارد که از این تلقی‌ها بر نمی‌آید

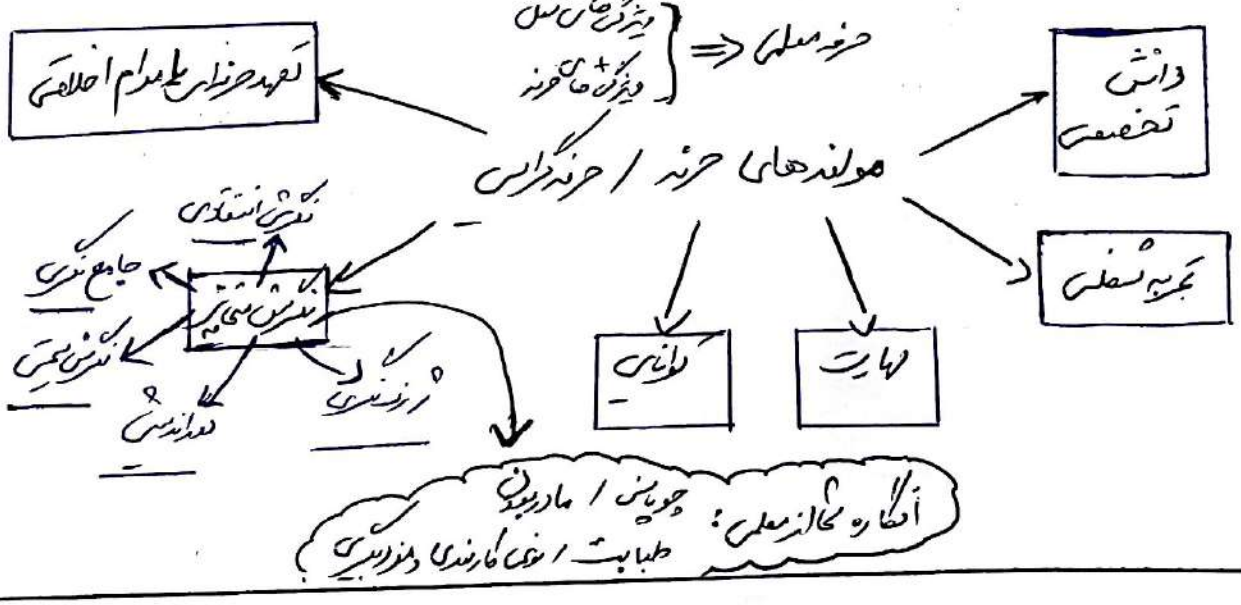

خلاصه مطالب جلسه ۳:

پاسخ به این سوال که تلقی ما از معلمی چیست؟ معلمی را یک شغل می‌دانیم؟ یا یک حرفه؟

لازمه‌ی این بحث این بود که حرفه و حرفه‌گرایی معرفی شود. کار را براساس پارامترهایی می‌توانیم تقسیم بندی کنیم به انواعی

حرفه، تکاپو، مهارت، واژه‌ی دیگری اضافه شد به نام اشتغال و سپس شغل و بعد حرفه. براساس پارامترهای این تقسیم بندی را کردیم

که اشتغال را یک کار پاره وقت دانستیم، درحالی که شغل را یک کار تمام وقت ارزشی تمام وقت همراه با حقوق و خدمت دانستیم

یک وضعیت برتری هم وجود دارد که اسم آن را حرفه می‌گذاریم ⟸ حرفه = وضعیت برتر شغل

متناسب با هرکدام این سطوح می‌توانیم اخلاق را مطرح کنیم: اخلاق شغل، و اخلاق حرفه‌ای

Prof

برای اینکه ببینیم که حرفه‌ای که می‌گوییم دارای چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی است ارجاع دادیم به کتاب

از الیوت که ویژگی‌های زیادی از حرفه و حرفه‌گرایی در این کتاب مطرح شده است. از میان آن ویژگی‌ها ۶ ویژگی را با الیوت خاصی که

مد نظر بوده استخراج کرده و مطرح کردیم

۱- دانش تخصصی ۲- تجربه شغلی ۳- مهارت ۴- توانایی

۵- نگرش متمایز ۶- ملزم اخلاقی

اگر می‌خواهیم کسی را محک بزنیم و ببینیم حرفه‌ای هست یا خیر، ببینیم این ویژگی‌ها را دارا هست یا خیر؟

این ویژگی‌ها دست به دست هم دهند و در کسی تحقق پیدا کنند. اگر شاغل باشد می‌توانیم او را در سطح یک انسان حرفه‌ای قرار دهیم

با توجه به این ویژگی‌ها به سوال برمی‌گردیم

✓ آیا معلمی را یک شغل می‌دانیم؟ یا یک حرفه؟

✓ نمی‌توانیم بگوییم معلمان ما همه ویژگی‌های بالا را دارا هستند، ولی موضوع مهم این است که بکوشند واجد همه‌ی این ویژگی‌ها شوند

✓ یعنی در یک وضعیت بینابینی قرار داریم و با این مباحث تلاش می‌کنیم شناخت کامل‌تری از وضعیت حرفه و حرفه‌گرایی پیدا کنیم

و با تحقق این ویژگی‌ها در خودمان ← به سمت حرفه‌ای‌تر شدن ارتقا پیدا کنیم

✓ ارتباط تنگاتنگی این مباحث با اخلاق دارد ← به گونه‌ای که اگر کسی اخلاقی هست یعنی ادعا می‌کند اخلاقی هست ولی حرفه‌ای نیست

باید در تلقی خود تجدید نظر کند

✓ به گفته‌ی حتی براساس آموزه‌های دینی خودمان نمی‌توانیم بپذیریم کسی ادعا کند اخلاقی هست ولی حرفه‌ای نباشد

((حضرت محمد (ص) : اگر کسی در جایگاهی و منصبی قرار گیرد که خودش را بلد نباشد تعبیر به خیانت شده است))

✓ اگر ما نتوانیم حرفه‌ای باشیم و حرفه‌ای عمل کنیم ← به اخلاق وفا نکردیم ← اخلاق را یکی از مولفه‌های حرفه‌ای بودن می‌دانیم در رابطه ۲ طرفه است

حرفه‌ای بودن

↕ رابطه ۲ طرفه

اخلاقی بودن

سوال: انسانی که ادعا می‌کند حرفه‌ای است ولی به اصول اخلاقی پایبند نیست و اخلاقیات را رعایت نمی‌کند آیا می‌شود گفت که او حرفه‌ای هست یا خیر؟